



مرور نهمین نمایشگاه «هفت نگاه» در گفت‌وگو با برپاکندگان آن

هدف فقط فروش نیست

کیانا آذر؛ هفت‌نگاه، حاصل تلاش پنج گالری‌دار باسابقه پایتخت برای تقویت بازار هنر، این روزها در فرهنگ‌سرای نیاوران دایر است. این نمایشگاه سالانه امسال وارد دهمین سال فعالیت خود شد؛ رویدادی که اسفند ۸۵ کار خود را آغاز کرد و اکنون در نهمین دوره برپایی‌اش با همراهی ۲۸۰ هنرمند به برندی شهرت یافته که در پی تحقیق ایده «هر خانه ایرانی یک اثر هنری» است؛ گالری‌های آریا، الهه، گلستان، والی، هفت‌نمر و ماه و مهر تشکیل‌دهنده گروه تجسمی هفت‌نگاه هستند که همگی در زمره قدیمی‌ترین نگارخانه‌های تهران محسوب می‌شوند؛ اگر این روزها به گالری اصلی فرهنگ‌سرای نیاوران بروید، از انواع طیف‌های فکری و زاویه نگاه‌های زیبایی‌شناسی، اثر هنری می‌باید که حتما پاسخ‌گوی طیف گسترده‌ای از سلاقی است؛ این دستور کار همیشگی اعضای هفت‌نگاه است، زیرا تشویق مردم به خرید آثار هنری و وسعت‌بخشیدن مخاطبان هنر تجسمی آرمان بزرگ‌شان است؛ لیلی گلستان، سخنگوی هفت‌نگاه، درباره رویکرد کلان این گروه می‌گوید: «باید مردم را به خرید آثار هنری سوق داد، لذت تماشای آثار هنری و انرژی‌ای که یک اثر خوب هنری به محیط زندگی می‌بخشد، اکسیری است که در این روزگاران پراسترس می‌تواند درمان بسیاری از دردها باشد، مردم باید این لذت را دریابند، درعین‌حال در صورت فراگیری چنین رویه‌ای در مردم شاهد استقلال هنرمندان خواهیم بود. امرا معاش از راه خلق اثر هنری و آسودگی خیال و خاطر می‌تواند زمینه‌ساز تحولی بنیادین در جهت اعتلای هنر ایران باشد، هفت‌نگاه آمده این حلقه‌ها را به هم متصل کند که به‌گمانم در این یک دهه قدم‌های بزرگی برداشته است».

در نهمین رویداد «هفت‌نگاه» از میان انبوه آثار هنری متقاضی، ۲۸۰ هنرمند منتخب شده‌اند که با نمایش بیش از ۳۰۰ نقاشی، نقاشیخط، مجسمه و معدودی چاپ دستی مردم را به خرید اثر هنری دعوت می‌کنند. در این رویداد آثاری با قیمت‌هایی بین ۳۰۰ هزار تومان تا ۲۲۰ میلیون تومان ارائه می‌شود و سعی آن بر این است تا افشار مختلف مردم را به خرید آثار هنری ترغیب کند.

در میان آثار این نمایشگاه در کنار نام‌های هنرمندان جوان، چهره‌های شاخصی مانند پرویز کلانتری، هانیبال‌الخاص، فریده لاشایی، ژازه تباتبایی، منصور قنبریز، رضا مافی، محمدعلی ترقی‌جاه، غلامحسین نامی، علی شیرازی، بهرام دبیری، گیزلا وارگا سینایی، فرح اصولی، تاهانیهانی، بهروز دارش، کامبیز درم‌بخش، ابراهیم جعفری و دیگران به چشم می‌خورد. اما یکی از تفاوت‌های «هفت‌نگاه» نهم با رویدادهای قبلی در نمایش آثار هنرمندان جوان در سبک‌ها و تکنیک‌های متنوع است. در این نمایشگاه آثار آبرنگ و نقاشی روی شیشه به سبازهای کوچک، با قیمت ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان تا نقاشی‌های آبستره در سایزهای بزرگ با قیمت‌های متفاوت دو، سه تا هشت میلیون تومان به چشم می‌خورد.

برخی از آثار نقاشیخط از استادان بنامی مانند محمد احصایی، رضا مافی، رضا یرنه‌ای، عین‌الدین صادق‌زاده و ابراهیم حقیقی با قیمت‌های متفاوتی از ۱۰ تا ۵۰ میلیون تومان در این نمایشگاه وجود دارد. یکی دیگر از وجوه متفاوت این نمایشگاه اثر دو لت حجت شکیباست که ۵۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده است.

همچنین در این نمایشگاه چند اثر زیبا آنه محمد تاتاری، احمد مرشدلو، علی نصیر، بهرام دبیری، فریدون آو و علی ترقی‌جاه با قیمت‌های ۱۲ تا ۴۰ میلیون تومان به نمایش درآمده که درخور توجه است.

در جمع گران‌ترین آثار این نمایشگاه دو تابلو از حسین زنده‌رودی جلوه‌گری می‌کنند که هر یک ۲۲۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده‌اند، البته تابلوهایی از ابوالقاسم سعیدی، غلامحسین نامی و واحد خاكدان با قیمت‌های ۱۳۰ و صد میلیون تومان برای فروش روی دیوار رفته‌اند.

تنوع آثار این نمایشگاه به گونه‌ای است که می‌توان برای فضاهای مختلف



داخلی تابلوهایی متناسب با آن محیط را به راحتی جست‌وجو کرد و یکی از تفاوت‌های عمده «هفت‌نگاه» نهم با نمایشگاه‌های گذشته در همین تنوع آثار است.

خریداران تازه معرفی کردیم

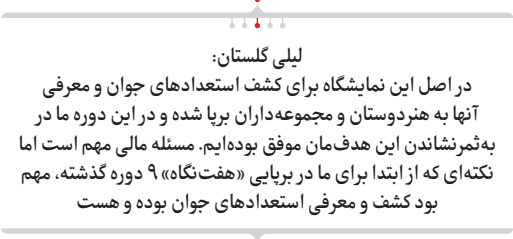
مژگان والی‌پور، مدیر گالری والی، دیگر عضو هفت‌نگاه، معتقد است این گروه تجسمی توانسته حرف‌هایی تازه درباره اقتصاد هنر مطرح کند، زیرا هدفش فروش به هر قیمت نبوده و نیست و ازهمین‌منظر اعتماد عمومی مردم و خریداران حرفه‌ای هنر را کسب کرده است.

والی می‌گوید به نظم تجلی دست‌آوردهایمان در ۱۰ سال گذشته همین هفت‌نگاه نهم است؛ کارهایی بسیار کیفی با قیمت‌های بسیار مناسب که به‌ختم از قیمت‌های معمول بازار هنر پایین‌تر است. حضور پررنگ جوانان و مجسمه‌سازان دیگر امتیازات هفت‌نگاه نهم است.

او تأکید کرد: «رونق اقتصاد هنر نمی‌تواند کار یک گروه، یک حراج یا یک گالری به‌تنهایی باشد، نیازمند یک عزم ملی است، باید دولت در امر تأمین زیرساخت‌ها، گذران قوانین لازمه و… همت کند تا تلاش‌های کوچک و بزرگ بخش خصوصی به هدر نرود».

هدف، جلب نظر مردم

لی‌لا نمری، مدیر گالری هفت نمر، معتقد است هر هنرمندی دوست دارد اثرش را مردم ببینند، این دیده‌شدن اگر با خرید همراه شود، انگیزه‌ها تازه‌تر و مجال خلاقیت بیشتر هم فراهم می‌شود، هفت‌نگاه در پی این است آثار هنرمندان را به بهترین وجه ارائه کند و با جلب نظر مردم به باری جامعه هنری بیاید.



لیلی گلستان:

در اصل این نمایشگاه برای کشف استعدادهای جوان و معرفی آنها به هنردوستان و مجموعه‌داران برپا شده و دراین دوره ما در به‌ثمرنشدن این هدف مان موفق بوده‌ایم. مسئله مالی مهم است اما نکته‌ای که از ابتدا برای ما در برپایی «هفت‌نگاه» ۹ دوره گذشته، مهم بود کشف و معرفی استعداد‌های جوان بوده و هست

«هفت‌نگاه» و کشف و معرفی استعداد‌های جوان

لیلی گلستان درباره نهمین فروش سالانه «هفت‌نگاه» به «شرق»، می‌گوید: امسال ما محدودیت اندازه آثار برای حضور در نمایشگاه را برداشتیم. این اتفاق منجر شد افراد بتوانند آثار بزرگ‌تر خود را به فکر می‌کردند مناسب نمایشگاه است، ارانه کنند. این اتفاق خوبی بود، چراکه آثار نمود بهتری دارند. او می‌افزاید: امسال نسبت به نمایشگاه‌های قبلی سخت‌گیری بیشتری برای انتخاب و نمایش آثار به خرج دادیم و این اتفاق برای من به‌عنوان یکی از برگزارکنندگان بسیار رضایت‌بخش است.

مدیر گالری گلستان می‌گوید: ما در انتخاب این آثار به فروش فکر نکردیم و برای خودمان کیفیت اثر مهم‌تر از قیمت آن بود و این اتفاق در نگاه مخاطب جلوه خوبی داشته است و معتقدم این جلوه‌کردن و رضایت مخاطب از ارتقای سطح آثار در فروش این نمایشگاه هم تأثیر بسزایی خواهد گذاشت. گلستان ادامه می‌دهد: فرهنگ‌سرای نیاوران همچنان فضای مناسب و خوبی برای برگزاری این نمایشگاه است و ما امسال به قدر کفایت از آثار هنرمندان جوان استفاده کرده‌ایم و فقط یک دیوار را به پیش‌کسوتان اختصاص داده‌ایم. او هدف این نمایشگاه را چنین توضیح می‌دهد: در اصل این نمایشگاه برای کشف استعداد‌های جوان و معرفی آنها به هنردوستان و مجموعه‌داران برپا شده و در این دوره ما به‌ثمرنشدن این هدف‌مان موفق بوده‌ایم و به‌جرت می‌توانم بگویم در «هفت‌نگاه» خیلی از هنرمندان جوان

تجسمی

معرفی شده‌اند و آثارشان به‌خوبی فروش رفته‌اند. مسئله مالی مهم است اما نکته‌ای که از ابتدا برای ما در برپایی «هفت‌نگاه» ۹ دوره گذشته، مهم بود کشف و معرفی استعداد‌های جوان بوده و هست.

نمایشگاه امسال بهترین نمایشگاه «هفت نگاه»

آریا اقبال، مدیر گالری آریا، نیز درباره نهمین «هفت‌نگاه» حرف‌ها دارد: «در این نمایشگاه رویکرد متفاوتی را نداریم و به همان روند همیشگی ادامه داده‌ایم. اما می‌توان گفت این نمایشگاه یک‌سری تفاوت‌های عمده با نمایشگاه‌های قبل دارد و ما تعداد زیادی از آثار هنرمندانی را روی دیوار می‌بینیم که در سال‌های قبل نبوده‌اند. از طرفی هر سال سعی کردیم دقت بیشتری در انتخاب آثار داشته باشیم و امسال این سخت‌گیری کمی بیشتر از دوره‌ها و سال‌های قبل بود و ما نتیجه و بازخوردهای مثبتی را از سوی مخاطبان نسبت به کیفیت آثار این دوره گرفته‌ایم که به سهم خود اهمیت دارد.

مدیر گالری آریا ادامه می‌دهد: امسال بهترین نمایشگاه ۱۰ سال گذشته و ۹ دوره هفت‌نگاه است. ما تلاش کردیم قیمت‌ها را متعادل کنیم و در برخی از آثار موفق شدیم و در برخی از آثار نه. البته این اتفاق طبیعی بود و دلیل آن روند روبه‌رشدی است که در بازار هنر و در زمینه قیمت‌ها رخ می‌دهد و مسلم بود ما درباره برخی از هنرمندان نمی‌توانیم قیمتی بگذاریم که با شرایط عمومی آثار این هنرمندان در بازار حراج‌ها تفاوت چشمگیری داشته باشد.

به گفته او، یکی دیگر از حسن‌های این نمایشگاه آثار درخشانی است که روی دیوار رفته. «ما همه تلاش خود را کردیم که امسال کار متوسط و روبه‌پایین نداشته باشیم و فکر می‌کنیم موفق بودیم و قاعدتا کیفیت آثار در فروش نیز تأثیر می‌گذارد».

تنوع آثار، قدرت انتخاب بیشتر

الهه جواهری، یکی دیگر از گالری‌داران که در برپایی فروش سالانه «هفت‌نگاه» مشارکت دارد، درباره این دوره می‌گوید: قصد ما برای برگزاری هفت‌نگاه در کنار اقتصاد هنر که اهمیت دارد، از یک منا و اهمیت والاتری برخوردار است و آن معرفی هنرمندان جوان‌تری است که به‌نوعی شایستگی حضور در این بازار را داشته‌اند.

او ادامه می‌دهد: نکته مهم دیگر در این نمایشگاه کیفیت آثار بود که ما با وسواس بیشتری دست به انتخاب زدیم و این اتفاق موجب شده هم خودمان و هم مخاطب متوجه ارتقای این کیفیت باشیم که به‌نظر اهمیت فراوانی دارد.

مدیر گالری الهه درباره قیمت‌گذاری کارها هم می‌گوید: سعی ما بر این بوده بتوانیم قیمت‌ها را به‌گونه‌ای در نظر بگیریم که افراد بیشتری بتوانند از این آثار بهره‌مند شوند و این تفاوت قیمت از طرفی با تنوع آثار نیز شکل بهتری به خود گرفته و قدرت انتخاب بیشتری برای خرید اثر دارد.

جنبه فرهنگی هنر با اقتصاد وسعت می‌یابد

واحد خاكدان، نقاش باسابقه که یکی از گران‌ترین آثار «هفت‌نگاه» نهم از این هنرمند است، درباره اهمیت این رویداد سالانه گفت: هر نوع نمایشگاه هنری دو جنس دارد: اقتصادی و فرهنگی. «هفت‌نگاه» جنبه اقتصادی‌اش نسبت به بازده فرهنگی آن ارجحیت دارد. چون اگر ما به‌عنوان منتقد وارد چنین فضایی شویم، نباید توقع داشته باشیم با آثاری مواجه شویم که قرار باشد به مسیر هنری نسل‌های آینده و تاریخ هنر جهت دهد، بلکه باید بیشتر به این جنبه توجه کنیم که این جریان جنبه اقتصادی دارد.

این هنرمند نقاش ادامه می‌دهد: اگر بخواهیم از دیدگاه غربی به چنین نمایشگاهی نگاه کنیم، این رویداد نوعی «آر‌ت‌فست» است. در بیشتر کشورهای دنیا که در زمینه هنر تجسمی فعالیت گسترده‌ای دارند، سالی یک‌بار یک آر‌ت‌فهر هم برگزار می‌شود. به اعتقاد خاكدان، آر‌ت‌فهر حقیقتا یک چرخه خیلی مهم و اساسی در به‌گرددش درآوردن بازار اقتصادی هنر است و این دو به‌اصطلاح پدیده بخش فرهنگی و اقتصادی به هم پیوند خورده و اگر اقتصاد هنر نداشته باشیم، نمی‌توانیم به جنبه فرهنگی وسعت دهیم.

او در پایان چنین جمع‌بندی می‌کند: به‌هرحال، هنرمندان باید زندگی‌شان بگذرد و از این دیدگاه، نظر من درباره «هفت‌نگاه» مثبت است و به‌نظرم این اتفاقی که امروز می‌بینیم عملا باید وسعت بیشتری پیدا کند تا هنرمندان جوان‌تر و ناآشنا‌تر هم بتوانند در بازار هنر سهمی داشته باشند.

قیمت مناسب آثار نقطه قوت هفت نگاه

جهانگیر شهدادی هم درباره «هفت‌نگاه» به نکات مهمی اشاره می‌کند: در برگزاری فروش سالانه «هفت‌نگاه» باید به این نکته که این رویداد ساختار اقتصاد هنر را درست می‌کند، توجه کنیم. در این ساختار امروز که ما صحبت می‌کنیم چند کارخانه هستند که جمعی از هنرمندان را در مخاطب دارند، انتخاب می‌کنند و آثارشان را به نمایش می‌گذارند.

وی ادامه می‌دهد: رواقع اینجا آثاری را می‌بینیم که خریدار دارد اگر یک نقاش یا مجسمه‌سازی شروع به کار می‌کند قاعدتا باید مسیری را طی کند یعنی در گالری‌ها خریدار پیدا کند و وارد بازار هنر شود تا بتواند در جایی مثل همین نمایشگاه «هفت‌نگاه» آثارش را ارائه دهد.

شهدادی در تکمیل صحبت‌هایش اضافه می‌کند: گالری‌داران در یک حرکت ارزشمند با نمایش آثار هنرمندان گمانم و تازه‌کار به‌گونه‌ای آنها را برای حضور در نمایشگاه‌هایی مثل «هفت‌نگاه» آماده می‌کنند. اگرچه هر نقاشی باید به تماشای این نمایشگاه‌ها بیاید تا بهتر بتواند فضای اقتصاد هنر را درک کند؛ اما در این نمایشگاه مخاطبان تقریبا وضعیت و سطح نقاشی کشور را نیز به دست می‌آورند. این بیشن در نمایشگاه انفرادی تقریبا به دست نمی‌آید.

مشخصا هدف هفت‌نگاه از اولین نمایشگاهش فروش اثر بود و نقاش هم این را می‌داند. شما آثاری را می‌بینید که در حراج‌های معتبر چندین برابر اینها فروش رفته، ولی اینجا با آگاهی به اینکه قیمت‌های کمتر است نقاش اثر را ارائه می‌دهد. نهمین نمایشگاه «هفت‌نگاه» با نمایش ۳۰۰ اثر هنری از ۲۸۰ هنرمند تا هفدهم دی در فرهنگ‌سرای نیاوران میزبان علاقه‌مندان هنر است.

ادامه از صفحه ۱۰

سازم را فروختم تازه‌نده بمانم

بنابراین برخی نوازندگان به‌اصطلاح مجلسی هستند و تمایل به اجرای تکنیک ندارند، اما برخی دیگر به دنبال اجرای درست تکنیک‌ها و استفاده صحیح از قابلیت‌های ساز سنتور هستند و آکادمیک می‌نوازند.

❧ شیوه‌های مختلف مضراب‌گذاری مثل کوتاه، بلند و ریز وجود دارد در برگیت نوازندگی سنتور تأثیر می‌گذارد. نظر شما درباره این شیوه‌ها چیست؟

در همه آثار استاد پایور قطعاتی که ایشان اجرا کردند یک مضراب وجود ندارد که شما چرایی و چگونگی نواختن آن را متوجه نشوید. همه مضراب‌گذاری‌های استاد پایور حساب‌شده، اصولی و منظم بوده است. شما اگر به آثار استاد پایور گوش کنید و آن را با سنتورنوازی دیگر هنرمندان مقایسه کنید، متوجه این تمایز در شیوه نوازندگی خواهید شد. نوازندگی استاد پایور کاملا روشن و ملموس و قابل تشخیص است، اما نوازنده‌های حالا در عین اینکه زیبا می‌نوازند، ساز مشخص نیست از چه تکنیکی استفاده می‌کنند.

❧ به نظر شما به عنوان داور جشنواره‌ها و فستیوال‌های مختلف موسیقی، یک نوازنده کامل دارای چه خصوصیاتی هست؟

یک نوازنده خوب در دوره عالی باید همه مشخصه‌ها و مختصات موسیقی ایرانی را کامل و دقیق بداند. دارای دانش و علم کافی در ساز تخصصی خود باشد، تکنیک نوازنده باشد، نسبت به تاریخ و فرهنگ موسیقی کشور آگاهی و تسلط داشته و ادبیات را فهمیده باشد. در اجرای بهتر و زیباتر گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی ایرانی محیط‌بودن بر شعاع دایره ادبیات و تاریخ موسیقی کشور امری مهم و الزامی است. موزیسین باید باسواد و هنرش ریشه در تاریخ و ادبیات و فرهنگ این سرزمین داشته باشد.

❧ در همه این سال‌ها ارفع اطرائی بودن چه مسئولیت‌هایی برای شما داشته است؟

همان مسئولیت‌هایی که استادان و معلمانم بر عهده من گذاشتند. همان کاری که استاد صبا با وجود تن‌رنجور و روح زخم‌خورده‌اش به من سپرد، همان مسئولیت‌ها و هنری که استاد پایور به من آموخت و آن چیزی که از استاد روح‌الله خالقی آموختم، اینها همه میراث گران‌بهای زندگی من است و تشکیل‌دهنده شخصیت فردی و اجتماعی من و تا آخرین لحظه زندگی‌ام سعی می‌کنم به آموخته‌هایم پایبند باشم و خوشبختانه تا به این‌لحظه نیز موفق بوده‌ام.

❧ خانم اطرائی، شما میراث‌دار استاد حسین صبا بوده‌اید یا استاد پایور؟

هر دو این بزرگان، به‌علاوه استاد ابوالحسن صبا، نقش این سه موسیقی‌دان برجسته در تحول سنتور و سنتورنوازی معاصر را نمی‌توان از یکدیگر جدا و متمایز کرد.

❧ چه توصیه‌ای برای جوانان ایران دارید؟

همواره در زندگی خود سعی بر این داشته باشم که الگوهای مناسبی را برای خویش انتخاب‌کنند. **❧ صحبتی مانده است که دوست داشته باشید و من به آن اشاره کرده باشم؟** من همیشه به خدا توکل داشتم و به دانشی که در این سال‌ها آموختم و باارزش‌ترین اندوخته زندگی من بوده است. در تمام طول عمر و زندگی‌ام هرگز روقتم را به بطالت نگذراندم و همیشه به پی کسب علم و دانش و آموختن بودهام. من خدا را دارم و امیدوارم آن کسانی که به خدا باور دارند و او را می‌شناسند و در وجود خود وجدانی دارند، بفهمند باید به ما پیش‌کسوتان و هنرمندان توجه داشته باشند.

مکعب سفید

«ژازه تباتبایی» به روایت مجابی، دارش و حامدی برهم‌زننده رابطه سوزه و ایزه

شرق: نشست نقد و بررسی آثار ژازه تباتبایی با حضور جواد مجابی، شاعر و منتقد هنری، بهروز دارش، مجسمه‌ساز، خسرو سینایی، فیلم‌ساز، محمدحسن حامدی، پژوهشگر هنر و جمعی از علاقه‌مندان و هنردوستان در گالری شهرپور برگزار شد. در این نشست به نمایش آثار این هنرمند پیشرو هم‌زمان شده، هر کدام از سخنرانان به واکاوی بخشی از زوایای زندگی ژازه پرداختند. متن زیر، چکیده صحبت‌های سخنرانان است.

جواد مجابی: ژازه یک قصه‌گوو شاعر بود

ژازه، قصه‌گو و شاعری بود که آثار خودش را با قلم و رنگ‌روغن می‌ساخت. در درون این نقاش و مجسمه‌ساز یک قصه‌گو و روایتگر وجود داشت به عبارتی دیگر، ژازه هم راوی قصه بود و هم عین روایت. او نگاهی خیره و ممتد به واقعیت داشت. البته این واقعیت به

جواد مجابی

معنای واقعیت بیرونی نیست، بلکه هنرمند، خودش آن را واقعی تصور می‌کرد. درواقع او خیالات خودش را با مثابه واقعیت‌های همیشگی می‌دید. ژازه شیفته خیالات خودش بود و این خیالات هیچ‌وقت متعلق به گذشته نبودند. بعضی وقت‌ها آدم به صورت خاطره به گذشته برمی‌گردد، درحالی‌که خیالات برای ژازه، اکنون بودند و رو به آینده. در ذهن ژازه تباتبایی انگاره‌های متعددی رخ می‌داد. انگاره به تعبیر من، یعنی حس هنرمند و جرقه ذهن او برای ساختن اثر. انگاره در ذهن هنرمندان اصل به صورت بی‌دربی اتفاق می‌افتد. این انگاره‌ها در مولوی روان و در سعدی جهنده هستند. در مولوی همواره جرقه‌هایی وجود داشته که ذهن او را روشن و در آن خلاقیت ایجاد کرده است.

ژازه نیز این انگاره‌ها را به صورت ممتد داشته و برای همین است که از اثر خودش جدا نیست. این انگاره‌ها در ذهن هنرمند به طرح تبدیل شده و سپس طرح به اثر هنری تبدیل می‌شود. معمولا هنرمندان می‌کوشند بتوانند انگاره ذهنی مغزشان را عینا به طرح تبدیل کنند و این طرح است که اهمیت پیدا می‌کند چون بقیه آن مربوط به مهارت‌ها و ساخت‌وساز است. ژازه جزء هنرمندان معدودی بود که توانست انگاره‌های ذهنی خودش را طراحی کرده و به وجود بیاورد. این اتفاق میسر نیست مگر آنکه آدم عاشقانه به هنر عشق بورزد و خودش را غرق در هنر کند.

بهروز دارش: ژازه مهم‌ترین مجسمه‌ساز دوران مدرنیته ایران است

ژازه تباتبایی در زمان خودش با ابزاری کار کرده که هیچ آرتیست دیگری با آنها با اصلا کار نکرده یا به اندازه او کار نکرده است. او با به‌کارگیری لوازم از کارافتاده و دست‌دوم ماشین‌ها ….. دست به آفرینش آثاری می‌زند که امروز بعد از گذشت سال‌ها، به‌عنوان آثار

بهروز دارش

معتبر و ماندگار این حرفه تلقی می‌شوند. به اندازه ایشان حتی در جهان هم نمی‌توانید آدمی را پیدا کنید که با وسایل زدنست‌رفته زندگی کار کرده باشد. کرازه می‌گفت شروع من از جایی است که زندگی به پایان می‌رسد. مورد دوم درباره اهمیت کار ژازه این است که او مهارت‌های دست را از بین می‌برد، یعنی آنکه شما می‌توانید مهارت آن چنانی نداشته باشید ولی اثر هنری ایجاد کنید. ژازه در مسئله آفرینش را از انحصار هم‌دوره خودش، چندان در طراحی موفق نبود ولی ایده‌های خیلی جالبی داشت. او معمولا کار دست را خودش انجام نمی‌داد و به شخص دیگری می‌سپرد، چراکه فقط کافی است یک آرتیست راجع به هر کاری تفکر، احساس و ایده‌های خوب داشته باشد و مهارت‌های دست را به افراد فنی بسپارد. سومین مورد این است که ژازه به ترتیبی رابطه میان سوزه و ایزه را بر هم می‌زند. او مسئله آفرینش را از انحصار سوزه خارج می‌کند و دنیا را به کمک می‌گیرد. سوزه‌هایی که ژازه انتخاب می‌کند، اکثرا مردمی هستند که ژازه آنها را به ایزه بدل می‌کند چون خودش منحصر نیست. من نمی‌دانم ژازه این تفکرات را دانسته یا ناخودگاه عملی کرده، ولی به‌هرحال، این اتفاقات از سوی رازخ رخ داده و من روی‌شان تاکید می‌کنم.

محمدحسن حامدی: هنرمندی که کودک باقی ماند

معمولا برای بررسی آثار هر هنرمندی به دوران کودکی آن هنرمند رجوع می‌شود. این یک قاعده کلی است که همه ما ریشه در دوران کودکی خودمان داریم. ژازه تباتبایی هم مستثنا از این قاعده نیست، اما یک استثنا در وجود دارد که می‌شود روی آن دست گذاشت و بحث کرد. ژازه تباتبایی شخصیتی بود که در تمام طول عمرش کودک باقی ماند و همه کارهایی که انجام داد براساس قدرت کودکانه‌ای بود که از کودکی در او نهادینه شده بود. او طبع و صدای کودکان‌ای داشت و به مادرش بسیار وابسته بود. ژازه عادت‌های عجیب‌وغریبی داشت که این عادت‌ها مشخصا در کودکان قابل پیگیری است. وی اشیای زندگی‌اش را بسیار دوست داشت و می‌خواست همه کارهایش را در نگارد. ژازه عادت‌های عجیبی داشت و این خاست به همان مسئله وابسته بود که دوست داشت همه اشیای زندگی‌اش را حفظ کند. نقاشی‌های ژازه نیز خیلی ساده و کودکانه هستند و از تخیلات کودکانه او برمی‌آیند. ژازه در تمام عمرش عروسک‌هایی را ساخت که براساس اقتضای سن او پدیدار شد. وی همچنان که در هر جایی یک چیزی را چاپ کرده، آن را وابسته به دوران کودکی خودش و برگرفته از روحیات مادرش می‌داند. ژازه در قوت مادرش مثل یک طفل گریه می‌کرد. مدتی که در اسپانیا پیش ژازه بود، دیدم اشیایی از مادر وی در آنجا نزد ژازه مانده که چیزهای عجیب‌وغریبی بودند. مثلا یک عروسک در میان آن اشیای بود که من از ژازه پرسیدم این عروسک چیست و چرا آن را نگه داشته‌اید؟ گفت این عروسک، چچه مادرم بود! مادرم در کوهلوت سن دوست داشت یک بچه داشته باشد و من این عروسک را برای او گرفتم. پس این عروسک جزء خاطرات مادر من است. زمانی کار بود که من و آقای مجابی به‌عنوان مؤسس بنیاد به نزد ایشان برویم و برنامه‌ای را تنظیم کنیم، این کار نیاز به یک وکیل داشت که بیاید و سازوکار این بنیاد را ابراز کند. فردای روزی که ما گفت‌وگوهای اولیه را با ژازه داشتیم، با او تماس گرفتم و نظرش را پرسیدم. گفت من با این وکیل کاری ندارم و اجازه نمی‌دهم دیگر پایش را اینجا بگذارم. ژازه گفت او حتی بلند نشده تا آثار من را ببیند، رواقع آن وکیل ذوق دیدن اثر هنری را نداشت، بنابراین منظور می‌تواند چنین کاره‌ای هنری‌ای را مدیریت کند؟ تنها چنز روز از عمر ژازه باقی مانده بود که او پذیرفت شاید دیگر در این دنیا نباشد. چندی پیش از آن من و آقای مجابی در بیمارستان به عیادت ژازه رفتمیم که در آن ملاقات ژازه بالاخره تصمیم گرفت سندی را امضا کند تا بنابر آن، آثارش در بنیادی به نام خودش نمایش داده شود.